

آرنه

## تاریخ

**مکر آنکه خلافت ثابت شود**

**● عباس عبدی**؛ خبر تاسف‌بار بود. ادعا شد که دکتر کاووس سیدامامی، استاد دانشگاه امام صادق و فعال محیط‌زیست در زندان خودکشی کرده است. درحالی‌که جامعه و افکار عمومی از اصل بازداشت وی که بیش از دو هفته از آن گذشته بود، آگاهی نداشت. خبر این فوت به‌صورت غیررسمی و از سوی خانواده آن مرحوم اعلام شد… مشکل مهم این اتفاق تأسف‌بار در این است که تعداد زیادی از دانشجویان، استادان دانشگاه و اشخاص دیگر با مرحوم سیدامامی ارتباط و مراوده داشته‌اند و هیچ‌گاه به ذهن آنها خطور نمی‌کند که وی متهم به چنان اتهامی شود یا اینکه دست به خودکشی بزند.

بنیان اعتماد در جامعه مدرن بر امکان آزمون بی‌اعتمادی است؛ا به همین دلیل طرفی که نیازمند به اعتماد است، همیشه این امکان را فراهم می‌کند که ما از طریق اطمینان‌خاطر پیداکردن از رفتار او و صحت ادعاهایش از بی‌اعتمادی عبور کنیم و به اعتماد برسیم. در جامعه جدید ما به دیگران و به حکومت خودمان اعتماد داریم، چون هرگاه بی‌اعتماد شویم، می‌توانیم از طریق شیوه‌های مرسوم و در دسترس، درستی ادعا و رفتار طرف را آزمون کنیم… راهی که اکنون در اختیار ما نیست… و بالاخره مسئله مهم رعایت حال خانواده‌هاست.

اینکه یک یا چند نفر بازداشت شوند و هیچ‌کس نداند کجا هستند و امکان تماس نیز نداشته باشند، نه قانونی است و نه اخلاقی. هدف چنین کاری جز فشارآوردن به متهم و خانواده او و جیز دیگری نمی‌تواند باشد. عوارض سوء آن بسیار بدتر از عوارض احتمالی است که رسیدگی به اتهامات در فضای قانونی و اخلاقی انجام شود.

## مقدمه

**در اجرای برخی از اصول قانون اساسی وامانده‌ایم**

**● گفت‌وگو با غلام‌رضا حیدری**:… بنیان اصلی ۸۸ هنروز آزاده‌ی می‌چرخند و برخی همراهان قدیمی انقلاب در حصرند. این‌گونه مسائل مردم را می‌رنجانند و باعث کاهش اعتماد عمومی می‌شود… ما از این اتفاقات و کشته‌شدن‌ها در زندان اوین خاطره خوبی نداریم. در زمان قاضی مرضوی کشور ما هزینه‌های بسیاری را به همین علت متحمل شد. پیش‌نهاد من این است که رئیس‌جمهور در قامت یک مطالبه‌گر به این پرونده ورود کند.

### کیمیا

**شُکوهِ وِشْکوه ۲۲ بهمن**

**●** بدون شک عده‌ای از متن مردم که دیروز غایب بودند و البته تعدادشان زیاد بود، از روند کشور و آنچه در ذیل واژهٔ «مردمان سیاسی» می‌شناسند، رضایت ندارند. عده‌ای هم وضع فعلی را انحراف از روند اولیهٔ انقلاب اسلامی و مطالبات اولیهٔ مردم از رهبران انقلاب به حساب می‌آورند. انقلاب و نهادهای آن و هرکسی که در نظام، کار و مسئولیتی در دست دارد باید تلاش گسترده‌ای کند تا این بخش از مردم را به قبال انقلاب بازگرداند. متأسفانه باید گفت بخشی از آنان دریافت‌کنندهٔ هیچ خبر، پیام و تحلیل از درون نظام اسلامی نیستند و به طورکلی خبر و تحلیل خود را از جاهایی که در نقطهٔ مقابل انقلاب هستند دریافت می‌کنند.

اما درعین‌حال مشکل بخشی از اندک کسانی که دیروز در صفوف «ملت» حضور نیافتند برای این‌غیبت به خود حق می‌دهند! بخش مهمی از اشکالاتی که این‌گروه به روند‌ها، رویکردها و عملکردها می‌گیرند، باید حل شود و بدون حل آنها بازگرداندن این عده به قطار انقلاب آسان نیست. متأسفانه باید گفت بی‌عدالتی‌ها در بخش‌های مختلف دستگاه‌های حکومتی وجود دارد، فساد و سوءاستفاده و حیفومیل اموال عمومی وجود دارد، تدروی‌ها در بعضی از مواردی که یک امر مردم در میان است و نیاز به تسامح دارد، یک واقعیت است.

اینکه متولیان بعضی‌های مهمی از نظام نسبت به اشکالات افراد داخل حکومت نوعا با تسامح عبور می‌کنند ولی کمتر از آن اشکال را در طیف‌هایی از مردم تحمل نمی‌کنند، یک واقعیت است که بدون رفع آنها و یا نشان‌دادن چشم‌اندازی که نوید داشته باشد، شوری نگهبان بخشی از مردمی که به روند‌ها و رویه‌ها اعتراض دارند را به قطار انقلاب بازگرداند.

## تاریخچه

**مدیران ارشد برای بازگشت جداشدگان چاره‌اندیشی کنند**

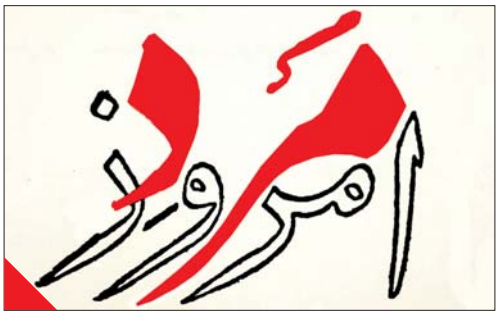
**●** گفت‌وگو با غلامحسین کرباسچی: اگر دنبال این هستیم که چهره‌هایی مؤثر وارد مجلس شورای اسلامی شوند، گروه‌های سیاسی هیچ کاری نمی‌توانند دراین‌راستا انجام بدهند و این شورای نگهبان است که باید تجدیدنظری جدی در روند فعالیت خود داشته باشد. این‌نگهبان حتما باید بپذیرد همهٔ اتهامی که به قانون اساسی التزام دارند، با هر سلیقه‌ای باید بتوانند در انتخابات شرکت کنند.

politics@sharghdaily.ir

## سیاست

به بهانه هفتادمین سالگرد ترور محمد مسعود

# خشونت علیه روزنامه‌نگاران سیاسی



لوگوی روزنامه محمد مسعود

نکرده‌ام». در این زمان قوام‌السلطنه درگیر کارزار آذربایجان بود، در

انتخابات مجلس پانزدهم پیروز شد و دعوا بر سر حدود اختیارات نخست‌وزیر و شاه در ساختار قدرت کشور بالا گرفت، فرانسیون مدافع قوام، فرانسیون حزب دموکرات ایران در مجلس تجزیه شد و پس از ۲۲ ماه با استعفای قوام‌السلطنه به کار خود پایان داد. در این غائله در میان اهالی مطبوعات ملک‌الشعرای بهار و حسین فاطمی از حامیان قوام‌السلطنه بودند و محمد مسعود از منتقدان و مخالفان سرسخت قوام بود. فاطمی پس از ترور محمد مسعود، نوشت: «با چندین کابینه بر سر او (محمد مسعود) سخت جنگیدم، در کابینه اول قوام با اینکه باختر از موافقین قوام بود، روی اهانتی که حاکم وقت به مسعود کرد، مدت‌ها با دولت کشمکش داشتم و تا معذرت نخواست و «مرد امروز» را آزاد نکرد، دست از گریانش نکشیدم».<sup>۱۱</sup> فاطمی در پاریس بود، نصرالله زمانی که محمد مسعود ترور شد، فاطمی در پاریس بود، نصرالله شیفته می‌نویسد: «فاطمی در آن زمان تدارک سفر محمد مسعود به پاریس را فراهم می‌کرد و برنامه‌هایی برای خرید ماشین چاپ و تشکیل شرکتی به همراه او در سر داشت».<sup>۱۱</sup> فاطمی از پاریس در نامه‌ای برای نصرالله شیفته نوشت: «دافی که مسعود بر دل من گذاشت یکی از جراحی‌اتی است که تا دم مرگ و تا نفس آخر زندگی، چیزی از رنج و عذاب روحی من نخواهد آکست».<sup>۱۱</sup> فاطمی از آن پس هر سال در سالروز مرگ محمد مسعود سرمقاله‌های «باختر امروز» را به او اختصاص می‌داد و در مدح شهامت و آزادی‌خواهی او مقاله می‌نوشت. فاطمی در سرمقاله ۲۶ بهمن ۱۳۲۹ مسعود را بااستعدادترین نویسنده ۵۰ سال اخیر ذکر کرد و نوشت: «مسعود بزرگ‌ترین و شایسته‌ترین پرچم‌دار انقلاب آینده بود و تنها اوست که به مناسبت شخصیت اخلاقی و قدرت قلمی و عظمت روحی که داشت می‌توانست اولین قربانی انقلاب قرار گیرد».<sup>۱۳</sup>

همچنین فاطمی معتقد بود: «محمد مسعود از شهرت روزنامه‌نویسی خود دنیاری سوااستفاده نکرده است» و معتقد بود مسعود روزنامه‌نویسی را از صورت مبتذل و مدیحه‌گویی درآورده و به‌کلی عوض کرده و در شئون سیاسی و اجتماعی بسیار مؤثر بوده است».<sup>۱۳</sup> در ۲۳ بهمن ۱۳۳۰، در مراسم چهارمین سالگرد مرگ مسعود، حسین فاطمی بر سر مزار محمد مسعود هدف تروری ناموفق از سوی یکی از اعضای فدائیان اسلام قرار گرفت.<sup>۱۴</sup> حسین فاطمی به بیمارستان منتقل شد و برای چند ماه از صحنه پرتنش سیاست دور شد، اما ترور او محیط سیاسی ایران را متشنج‌تر از پیش کرد.

محمد مسعود در «مرد امروز» علیه تمام بازیگران سیاسی قلم می‌زد؛ او درگیر یک جنگ تمام‌عیار بود. حزب توده، حزب سیدضیاءالدین طباطبایی، حزب دموکرات ایران، قوام‌السلطنه، حزب دموکرات آذربایجان، برادران لنگرانی، علی سهیلی، منسوبان پادشاه، تجار و بازاریان و حتی دوستان مسعود از انتقادهای لفظی و قلمی او مصون

## چه شد که انقلاب شد

نوع اصلاح امور را نیز بسته بود. انستاد سیاسی و انباشت مطالبات فرهنگی و انقلاب راهی جز انقلاب باقی نگذاشته بود. به بیان دیگر، هنگامی

که در جامعه‌ای مردم از وضعیت موجود ناراضی باشند، اما همه راه‌های مسالمت‌آمیز برای اصلاح امور و شیوه‌های بدون خشونت برای تغییر بسته شود، فروپاشی امری محتوم و گریزناپذیر خواهد بود.»

یار و دوست مهدی بازرگان در ادامه اصلاحات را به رود تشبیه می‌کند و می‌نویسد: «اصلاحات همانند جریان آب رودخانه‌ای است که در مسیر طبیعی‌اش حرکت می‌کند تا آلودگی‌ها را بشوید، آن را شفاف کند و به تداوم حیات آن یاری رساند. لیکن، هرگاه جلوی آن بسته شود، با خروج از

نبودند. در این بین مسعود بارها متواری و مخفی شد و به‌دلیل شمار زیاد دشمنانش و جایگاه مسلط آنان در قلمرو سیاسی و اقتصادی مملکت، تا ۱۰ سال پس از مرگش پرونده ترور او مسکوت ماند و مسبب ترورش شناخته نشد.

امروز شیوه افشاکاری و قلم‌ناسازگویی محمد مسعود شیوه غیراخلاقی، منسوخ و در استانداردهای جهانی روزنامه‌نگاری نامعتبر است، اما در میدان روزنامه‌نگاری اوایل دهه ۲۰ این سبک نوشتار خشونت‌آمیز موجب تغییر موازنه نیروهای سیاسی درون میدان می‌شد، میدان سیاسی میدانی اثرگذار بر و اثرپذیر از میدان روزنامه‌نگاری است، کنش افشاکرانه و منتقد محمد مسعود موجب می‌شد محدوده قدرت سیاسی و اقتصادی پس از آن محدوده‌هایی محافظت‌شده و زیر کنترل افراد نزدیک به قطب مسلط نباشد.

در پاسخ به پرسش چرایی اعمال خشونت در مرز تلاقی میدان سیاسی و میدان روزنامه‌نگاری می‌توان کنش «افشاکاری» را نقطه برخورد دو گروهی در نظر گرفت که در این میدان‌ها فعال هستند؛ «افشاکاری» در میدان سیاسی و ژورنالیسم رودررو قرار گرفتن دو نوع تفکر است، در یک سو صاحبان قدرت سیاسی و اقتصادی و در سوی دیگر افشاکران که اغلب روزنامه‌نگاران هستند قرار دارند، نکته درخور توجه این است که هر دو طرف خود را «حلال حرفه‌ای مشکلات» می‌دانند، یعنی علاوه بر اینکه عمل خودشان را کاملا عقلانی و در موارد بسیاری اخلاقی می‌دانند، تا اندازه نگران‌کننده‌ای هم عاری از احساس و عاطفه هستند، هر دو در یک دنیای تلاش محض فکری قرار گرفته‌اند.

در دعوی مسعود با قوام‌السلطنه این نوع تفکر نمود بارزی دارد، قوام‌السلطنه عمل خود را کاملا عقلانی و به نفع کشور می‌داند و محمد مسعود عمل خود را کاملا اخلاقی و به نفع مردم، هرگاه هر دو گروه خود را حلال مشکلات و عقلانی بدانند، گروه ضعیف‌تر برای گروه مسلط ایجاد مزاحمت می‌کند و در خطر قرار می‌گیرد، امروز در دنیای پسافروردی می‌دانیم که اگر یک مزاحم آسیب‌زا و تکان‌دهنده بیش‌ازحد به فردی نزدیک شود می‌تواند به واکنش پرخاشگرانه آن فرد با هدف خلاص‌شدن از شرّ مزاحم منتهی شود، بنابراین وقتی روزنامه‌نگار سیاسی در قالب افشاکر یا در قالب روزنامه‌نگار تحقیقی و منتقد به محدوده محافظت‌شده قدرت سیاسی پای می‌گذارد، احتمال برخورد خشونت‌آمیز علیه او بالا می‌رود، افشاکاری مانع از انجام کاری می‌شود که سیاست‌مداران با تمام وجود معتقد به عقلانی‌بودن آن هستند.

تفاوت بین خشونتی که از جانب قطب مسلط سیاسی و اقتصادی و خشونتی که از جانب روزنامه‌نگاران اعمال می‌شود این است که گروه اول خشونت فیزیکی و عملی اعمال می‌کند و گروه دوم خشونت زبانی و نوشتاری؛ در نهایت خشونت علیه روزنامه‌نگار در کفه سنگین‌تری قرار می‌گیرد و به قول هایدگر «نخستین قربانی خشونت خود پایه‌گذار است که با ظهور نظم تازه‌ای که پی ریخته است باید حذف شود، حذف فیزیکی نخستین شکل حذف است از ژولیوس سزار گرفته تا پس از آنها می‌دانیم که چهره پایه‌گذار باید حذف شود». بین آنچه قطب مسلط مشروع می‌داند و آنچه ژورنالیسم سیاسی مشروع می‌داند تفاوت است، قلم روزنامه‌نگاران سیاسی می‌تواند خاطرات مسرت‌بخش روزهای پیروزی سیاست‌مداران را مخدوش کند، با وجود این به تعبیر یاسیرس: «انسانیت هرگز در تنهایی حاصل نمی‌شود و نیز با محول‌کردن کار خود به عموم، فقط کسی می‌تواند آن را به دست آورد که خودش و زندگی‌اش را وقف خطرکردن در قلمرو عمومی کند». این خطری است که روزنامه‌نگار سیاسی در معرض آن است؛ هزینه‌کردن جان در راه انسانیت و آزادی.

۱- ناظم، رزا، (۱۳۸۸)، «سیدحسین فاطمی و تحولات سیاسی ایران»، تهران: نشر آگاه، ص ۳۹.

۲- فرهمند، جلال، (۱۳۸۱)، «رکن چهارم: اسناد مطبوعات ایران»، سال ششم، شماره ۲۳، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، صص ۳۵۶ - ۳۶۰.

۳- ناظم، رزا، (۱۳۸۸)، «سیدحسین فاطمی و تحولات سیاسی ایران»، تهران: نشر آگاه، ص ۳۶.

۴- همان، ص ۳۵.

۵- شیفته، نصرالله، (۱۳۹۲)، «زندگی‌نامه محمد مسعود مدیر روزنامه مرد امروز»، تهران: نشر کومش، ص ۴۴.

۶- ناظم، رزا، (۱۳۸۸)، «سیدحسین فاطمی و تحولات سیاسی ایران»، تهران: نشر آگاه، ص ۳۸.

۷- شیفته، نصرالله، (۱۳۶۴)، «زندگی‌نامه و مبارزات سیاسی دکتر حسین فاطمی»، تهران: نشر آفتاب حقیقت، صص ۶۴-۶۷.

۸- مرد امروز، شماره ۱۱۷، ۲۵ مهر ۱۳۲۶، ص ۹.

۹- شپوکت، حمید، (۱۳۸۷)، «در تیررس حادثه»، زندگی سیاسی قوام‌السلطنه»، تهران: نشر اختران، چاپ سوم، صص ۲۷۶-۲۷۸.

۱۰- ناظم، رزا، (۱۳۸۸)، «سیدحسین فاطمی و تحولات سیاسی ایران»، تهران: نشر آگاه، ص ۳۳.

۱۱- شیفته، نصرالله، (۱۳۶۴)، «زندگی‌نامه و مبارزات سیاسی دکتر حسین فاطمی»، تهران: نشر آفتاب حقیقت، صص ۱۰-۱۳.

۱۲- همان، ص ۱۱.

۱۳- ناظم، رزا، (۱۳۸۸)، «سیدحسین فاطمی و تحولات سیاسی ایران»، تهران: نشر آگاه، ص ۳۹.

۱۴- همان.

**ادامه از صفحه اول**

### الزامات یک طرح پرسروصدا

نشان بارزی از شکاف و بیگانگی در تصمیم‌گیری در امور آبادانی کشور در بالاترین سطح دولت است. تصور ما مردم از دولت یک «هیئت» است؛ نه گروهی بیگانه که دور میز نشست‌اند.

۳- جمع کل مصالح ساختمانی ما شامل سیمان، آهن و چوب در سراسر کشور محدود است. این مصالح باید در بازسازی بناهای شهری و روستایی به کار رود. آیا دولت محترم حساب کرده است که مصالح مورد نیاز برای ساخت صد هزار واحد مسکونی در سال در برنامه بازآفرینی شهری چند درصد تولید داخلی است؟ و آیا چیزی برای مسکن روستایی باقی می‌ماند؟

۴- آیا دولت محترم حساب کرده است که کارگر مورد نیاز برای بازسازی اشاره‌شده در ۱۰ سال آینده از کجا تامین می‌شود؟ از روستاهای ایران تامین می‌شود یا از کارگران مهاجر؟ تضمین وجود کار در شهرها هر دو گروه را به حرکت درمی‌آورد. روستاها از گذشته خالی‌تر شده و نسل جوان به شهرها روی می‌آورند. تنها سالخوردگانی که قدرت تولید و تحرک را از دست داده‌اند، در روستا باقی می‌مانند. کشورهای مهاجرفرست اطراف ما جشن می‌گیرند. فروشندگان خارجی مانند دوره پس از ۱۳۵۲ که بهای نفت سه برابر شد، به ایران هجوم خواهند آورد. در آن دوره کشتی‌های مصالح ساختمانی که به بنادر ایران می‌رسیدند، برای تخلیه بار خود چندین ماه معطل می‌شدند. برای انتقال بارهای تخلیه‌شده کامیون کافی نبود. کارگران نته‌تنها از کشورهای اطراف بلکه از فیلیپین و کره به ایران می‌آمدند. با این تفاوت که آن روز ارز فراوان داشتیم؛ ولی امروز همه چیز داریم، جز ارز خارجی.

۵- تجربه فاجعه‌بار ساخت «مسکن مهر» چند درس آموزنده به مسئولان ما می‌دهد که برای چیدمان «طرح ملی بازآفرینی پایدار شهری» می‌تواند سودمند باشد. نخستین درس وجود فساد در واگذاری پروژه‌ها بود که موجب صرفه‌جویی شرکت‌های پیمانکاری در کاربرد مصالح شده بود.

این صرفه‌جویی شامل ۱) کاهش میزان سیمان در بتون و ملات به‌کاررفته در بنا بود که موجب ریزش بناها در زلزله‌های اخیر شد. ۲) ضخامت دیوارها تا حدی که صدای یک اتاق به‌راحتی به اتاق مجاور منتقل می‌شد. ۳) کاهش کیفیت مصالح برقی و لوله‌کشی و اتصالات. این عیوب در بناهای تخریب‌شده به‌خوبی دیده می‌شود و در بناهای سالم در نخستین زلزله بعدی دیده خواهد شد.

فاجعه دیگر مسکن مهر این بود که پروژه‌ها در مسیر راه‌های میان‌شهری ساخته می‌شد و به نام سردرم محلی بود؛ اما به کام کارمندانی بود که در شهرها به کار مشغول‌اند. این استراتژی بیشترین سود را به صنعت خودروسازی می‌دهد و بیشترین سردرگمی و آلودگی محیط را به وجود می‌آورد.

۶- دولت‌هایی که سر کار می‌آیند، الزاما سلیقه مشابهی با دولت‌های گذشته ندارند. در اروپا و آمریکا هم همین‌گونه است. در آمریکا دولت جمهوری‌خواه بسیاری از مصوبات دولت دموکرات قبلی را نقض می‌کند. بسیاری از پروژه‌ها مانند کاهش آلودگی هوا که در دوره ریاست‌جمهوری باراک اوباما بر پایه کنوانسیون‌های کیوتو و پاریس آغاز شده بود، در دوره ریاست‌جمهوری ترامپ متوقف شد. دولت‌های ایران نیز نباید پروژه‌های بلندمدت تنظیم کنند. شرایط اقتصادی ایران قابل‌پیش‌بینی نیست.

۷- «قابلیت زندگی» و «جابه‌جایی» که در این‌پروژه مورد تأکید قرار گرفته، الزاما پدیده‌های فیزیکی و روی زمینی نیستند. پیشرفت اجتماعی نیز نوعی جابه‌جایی است. دولت‌های ایران باید بتوانند زندگی اجتماعی میلیون‌ها نفر مردم بینوای روستایی را تعالی بخشد.

۸- با کاهش محسوسی که روزانه در ارزش پول ملی رخ می‌دهد، آن ۷۵هزار میلیارد تومان بودجه سالاناه‌ای که برای پروژه در نظر گرفته شده هنوز به سال سوم نرسیده، هر برابر می‌شود. شش داریند تنگه که کاهش ارزش ریال در برابر ارزهای معتبر بین‌المللی در سه ماه گذشته، نگارنده در یک مقاله نوشته‌بودم که امضای وزیر اقتصاد و دارایی و رئیس بانک مرکزی روی اسکناس‌ها برای خنده و یزدادن بچه‌های آنها نیست، بلکه باید تضمین بر حفظ ارزش مبادلاتی آنها باشد.

۹- اگر به هر صورت دولت محترم توانست این پروژه را به‌رغم مشکلاتی که در بالا ذکر شد، با موفقیت بیاده کند، باید بتواند از آنها به عنوان الگویی در کاهش آلودگی محیط استفاده کند. یکی از عوامل آلودگی محیط در محلات قدیم و حتی نوساز شهری که بکسره تکرار می‌شود، کشتن میلیون‌ها گوسفند در خانه و کوچه است. خون و آلودگی‌های ناشی از این گشتارها در محلات شهری پخش می‌شود و مردم و به‌ویژه کودکان را بیمار می‌کند. این گشتارها در هزار سال پیش عامل مهمی در آلودگی شهر نیویورک زیرا شمار آلوده بود. این نویسنده در جای دیگری پیشنهاد کرده بودم که در هر محله فضای کوچکی مانند یک اتاق به این گشتارها اختصاص داده شود، به‌نحوی که بتوان خون و آب شست‌وشو و ضایعات کشتن قربانی را جمع‌آوری کرد. اما کو گوش شنوا؟